

چهار ترجمه از یک کتاب

همه مردان شاه

• فریدون شایسته

است، ولی متأسفانه مشخص نیست که ارجاعات و پانویسها متعلق به مؤلف است یا مترجم؟ در صورتی که توضیح در این باره ضروری است. استیون کینزر با اشاره‌ای گذرا و تحلیلی بر ساختار سیاسی ایران در طول تاریخ به طور عام و اوضاع ایران در دوره ۲۸ ماهه زمامداری دکتر مصدق و عملیات سازمان "C. I. A" موسوم به عملیات «آزاکس» (چکمه) به طور خاص، خاطره مسافرت خود را به ایران در چهل و نهمین سالگرد این کودتا به صورتی داستان گونه و روائی بازگو کرده است. اگرچه در پاره‌ای موارد تحلیل‌های او نیاز به توضیح و رفع ابهام دارد، ولی مطالعه این کتاب داستانی و دلنشین که به استناد اسناد و مدارک معتبر – که تعداد قابل ملاحظه‌ای از آنها به فارسی ترجمه شده‌اند - نوشته شده است، برای علاقمندان به تاریخ معاصر ایران خالی از لطف نیست. اینک به مطالب و محتوای کتاب نگاهی می‌افکنیم:

کینزر از دوران زمامداری مصدق به مدت بیست و شش ماه یاد کرده است، در حالی که مدت صدارت مصدق بیش از این مدت بوده است؛ تا جایی که محقق نکته‌سنج آقای محمد ترکمان در سلسله مقالاتی در هفته نامه «راه نو» تحت عنوان: «۲۸ ماه از نوع دیگر» این دوره را ۲۷ ماه و ۱۵ روز دانسته‌اند.

مؤلف بدون ذکر نام شبکه بدامن (Bedamn) می‌نویسد: «سازمان سیا ماهانه ده‌ها هزار دلار صرف این افراد می‌کرد». (ص ۱۵) این واقعیتی غیرقابل انکار است. دیگر محققان صاحب‌نام آمریکایی نیز در آثار خود این واقعیت را ذکر کرده‌اند. کینزر اخراج اشرف در دوره زمامداری مصدق را از سوی شاه دانسته است و می‌نویسد:

«حملات وی – اشرف – به کابینه مصدق آن قدر شدید بود که شاه مصمم گشت وی را به خارج از کشور بفرستد». (ص ۱۸)

این خلاف واقعیت است، زیرا مصدق طی پیامی که برای شاه فرستاد اعلام کرد که اشرف باید ظرف ۴۸ ساعت تهران را ترک کند.^۲

مؤلف مدت سرودن شاهنامه را توسط فردوسی سی و پنج سال قلمداد کرده است (ص ۳۸). این یکی دیگر از اشتباهات مؤلف است، زیرا فردوسی خود گفته است:

بسی نرج بردم در این سال سی

عجم زنده کردم بدین پارسی



■ همه آدم‌های شاه
 ■ نوشته: استیون کینزر
 ■ ترجمه: منیژه بهزاد (شیخ جوادی)
 ■ ناشر: پیکان، تهران، چاپ اول،
 ۱۳۸۲، ۳۴۰ ص، ۲۴۵۰۰ ریال،
 شابک ۳-۳۷۶-۳۲۸-۹۶۴

استیون کینزر، خبرنگار نیویورک تایمز، کتابی به نام: همه مردان شاه، یک کودتای آمریکایی و ریشه‌های ترور در خاورمیانه نگاشته است. در این کتاب کوشش شده، ریشه‌های واقعه ۱۱ سپتامبر و عملیات تروریستی خاورمیانه به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نسبت داده شود. از این کتاب تاکنون چهار ترجمه منتشر شده است:

۱- همه آدم‌های شاه، ترجمه خانم منیژه شیخ جوادی (بهزاد) و با مقدمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر پیکان، چاپ اول، آبان ۱۳۸۲، ۳۴۰ ص، ۲۴۵۰۰ ریال.

۲- همه مردان شاه، ترجمه حسن (رضا) بلیخ، نشر دانشگاه تهران، چاپ اول، بهمن ۱۳۸۲، ۳۸۴ ص، ۲۸۰۰۰ ریال.

۳- همه مردان شاه، ترجمه شهریار خواجهان، نشر اختران، چاپ دوم، اردیبهشت ۱۳۸۳، ۳۶۸ ص، ۲۹۰۰۰ ریال.

۴- همه مردان شاه، با ترجمه لطف‌الله میثمی، انتشارات صمدیه، چاپ اول، تیر ۱۳۸۳، ۳۶۰ ص، ۲۴۰۰۰ ریال.

در مقاله حاضر سعی می‌شود بر اساس ترجمه خانم شیخ جوادی، کتاب کینزر مورد نقد و بررسی قرار گیرد. دکتر مهدوی در مقدمه کتاب از آن به نیکی یاد کرده است. در صفحه ۹ مقدمه به اشتباه نام برادران دالس به برادران والس تبدیل شده که ناشی از اشتباه چاپی است، زیرا در همین صفحه نام دالس به درستی ذکر شده است.

اگر چه مترجم در پایان کتاب از فهرست اعلام استفاده کرده

کینزر دولت آمریکا را به خاطر اجرای کودتای ۲۸ مرداد سرزنش کرده است



کینزر یکی از مشکلات مشروطه‌طلبان را در این می‌داند که: «هیچ کس به درستی نمی‌دانست که چگونه قدرت حکومت را تقسیم کند» (ص ۵۷). این سخن درستی است زیرا برای توزیع قدرت و واگذاری آن به بخش‌های مختلف و گوناگون که مانع از تمرکز مجدد قدرت گردد، هیچ‌گونه تلاشی صورت نگرفته بود.

مؤلف به گونه‌ای قلم زده است که گویی هیچ‌گونه مخالفتی با تشکیل سلطنت پهلوی از سوی نمایندگان دوره پنجم مجلس شورای ملی صورت نگرفته بود. وی می‌نویسد: «نمایندگان در اعتراضی یک صدها، سلسله قاجار را منقرض اعلام نموده تخت طاووس را به رضاخان اهدا کردند». (ص ۶۶) در حالی که در همان مجلس مصدق با نطقی پرشور و آتشین مخالفت علنی خود را با انتخاب رضاخان به سلطنت اعلام کرده بود. مؤلف در صفحه ۹۰ کتاب به جملاتی از آن سخنرانی اشاره کرده و این نوشته ناقص اظهار نظری در صفحات پیشین کتاب است.

به عبارتی صحیح‌تر، در آن مجلس شورای ملی و در روز ۹ آبان ۱۳۰۴، بنا به گزارش منابع، چهار نفر با انقضای قاجار و تشکیل سلطنت پهلوی مخالفت کردند که عبارت بودند از: دکتر محمد مصدق، حسین علاء، میرزا یحیی دولت‌آبادی، سید حسن تقی‌زاده.^۳

داوری استیون کینزر درباره‌ی ایام سلطنت رضاشاه، تحلیلی همه‌جانبه و واقع‌بینانه از کارنامه او منعکس می‌سازد: «رضاشاه خود را خردمندی متجدد می‌خواند، اما در واقع او سنت استبداد را تقویت کرد که محور تاریخ ایران است. اصلاحات او پوشالی بود و به دلیل روش‌های خشونت‌آمیز اعمال این اصلاحات، موجب خشم و نفرت اتباعش می‌گشت. او کوچکترین قدمی در جهت ایجاد مسئولیت‌های مشترک مدنی که اصل هر جامعه موفقی است، برنداشت. تلاش‌های او در جهت رهایی ایران از یوغ بیگانگان به لحاظ نظری با ارزش، اما در عمل فاجعه‌آمیز بود.» (ص ۷۱)

جان فوران درباره‌ی رضاشاه آن‌گونه به قضاوت پرداخته که می‌توان به دیدگاه مشترک وی با کینزر اذعان کرد: «انتخابات از مجلس ششم تا مجلس سیزدهم، دقیقاً از جانب وزارت کشور و همکاری استانداران و فرمانداران تحت کنترل رضا شاه بود. رضا شاه بدین ترتیب ابزارها و ظواهر مشروطیت را نگاه می‌داشت، اما در عمل به عنوان یک دیکتاتور مشروطه حکومت کرد. او هیچ نارضایتی

سازمان یافته در درون دولت را تحمل نمی‌کرد، و بی‌رحمانه هر نوع نارضایتی بیرون از آن را سرکوب می‌کرد.»^۴

در صفحه ۹۶ کتاب سه بار کلمه مهاجم به اشتباه متهاجم ذکر شده است. در صفحه ۱۱۸ کتاب، مؤلف به استناد کتاب خاطرات یک افسر بازنشسته ایرانی، قتل رزم‌آرا را متوجه دربار پهلوی و اسدالله علم دانسته است.

کینزر از آن افسر ایرانی نام نمی‌برد، ولی افسر مورد نظر او، سرهنگ ستاد غلامرضا مصور رحمانی است که دو کتاب از وی به نام‌های: کهنه‌سرباز و بیست و پنج سال در نیروی هوایی به چاپ رسیده است. رحمانی در کتاب دوم، ترور رزم‌آرا را به دربار پهلوی نسبت داده است. در ضمن امروزه منابعی چون: اسرار قتل رزم‌آرا تألیف محمد ترکمان، خاطرات سید ضیاء‌الدین طباطبایی، خاطرات منصور رفیع‌زاده و... به صورت شفاف و واقع‌بینانه‌ای دربار پهلوی را عامل مستقیم ترور سپهبد حاجیعلی رزم‌آرا معرفی کرده‌اند.

استیون کینزر صفات مختلفی را برای مصدق ذکر کرده و در صدر آنها از فسادناپذیری او سخن گفته است (ص ۱۷۶). در واقع بارزترین ویژگی مصدق، همین خصیصه او بود. این مسئله هم از سوی مورخ بی‌طرف و واقع‌نگر دوره معاصر، دکتر فریدون آدمیت و هم از سوی یکی از مخالفان و منتقدان صاحب قلم ولی منصف دکتر مصدق، یعنی حسین مکی مورد تأکید قرار گرفته است.

دکتر فریدون آدمیت درباره‌ی مصدق این چنین به داوری پرداخته است: «پس از امیرکبیر از زمامداران ماکسی که به مبارزه واقعی ضد استعمار و ضد سلطه سیاسی بیگانگان پرداخت، محمد مصدق بود. اعتبار شخصیت مصدق در دفاع از حقوق اساسی و نظام مشروطیت است. در تقابل حکومت فردی و قدرت نامحدود سلطنت، در پیکار برای استقلال سیاسی و اقتصادی مملکت است و مبارزه بر علیه سلطه سیاسی و اقتصادی بیگانگان.»

او فسادناپذیر بود، شیاد و افسون‌گر و بی‌همه‌چیز نبود. موضع‌گیری سیاسی‌اش آنگاه که در اپوزیسیون بود و آنگاه که در قدرت سیاسی مسئول بود، تغییر نیافت.

این نیست که بر او یا کارنامه جبهه ملی انتقاد وارد نباشد، این خلاف نقد و سنجش تاریخی است. اما این هست که او نسبت به اصولی که یک عمر اعلام کرد: دفاع از آزادی، دفاع از حقوق اساسی،

کینزر یکی از مشکلات مشروطه‌طلبان را در این می‌داند که «هیچ کس به درستی نمی‌دانست که چگونه قدرت حکومت را تقسیم کند»

داوری استیون کینزر درباره‌ی ایام سلطنت رضاشاه، تحلیلی همه‌جانبه و واقع‌بینانه از کارنامه نامبرده منعکس می‌سازد

امروزه منابعی چون:
اسرار قتل رزم‌آرا تالیف
محمد ترکمان، خاطرات
سید ضیاء الدین
طباطبایی؛ خاطرات
منصور رفیع‌زاده و... به
صورت شفاف و
واقع‌بینانه‌ای در بار
پهلوی را عامل مستقیم
ترور رزم‌آرا معرفی
کرده‌اند

استیون کینزر صفات
مختلفی را برای مصدق
ذکر کرده و در صدر آنها از
فسادناپذیری اوسخن
گفته است

دفاع از استقلال سیاسی و اقتصادی، یک عمر وفادار ماند. به همین سبب او در معنی از لغزشگاه قدرت سقوط نکرد. اعتبارش را هیچ‌گاه در اراده‌عام از دست نداد. مجموع این کیفیات است که او در تاریخ حائز مقام سیاسی والایی است.^۵

حسین مکی با دیدگاهی که درباره مصدق ارائه داده است به صورت تلویحی بر ویژگی فسادناپذیری او تأکید کرده است: «مصدق نه عامل خارجی بوده و نه از حقوق نخست‌وزیریش استفاده می‌کرده، به طوری که ماهیانه حدود ۲۸۰ هزار تومان حقوق کارکنانش را می‌داده که همگی از جیب خودش بوده نه حقوق نخست‌وزیری. از اتومبیل نخست‌وزیری‌اش استفاده نمی‌نموده است. پس بنابراین چنین فردی نمی‌توانسته است که برای استفاده مالی نوکر اجنبی شود».^۶

دکتر عظیمی نیز درباره فسادناپذیری دکتر مصدق نظری مشابه فریدون آدمیت و حسین مکی دارد.

کینزر خودداری مصدق دعوت از مردم برای تشکیل جمعیت خیابانی را اشتباه سرنوشت‌ساز او می‌داند (ص ۲۵۴). در حالی که فخرالدین عظیمی علت این اقدام را از سوی مصدق این‌گونه توجیه می‌کند: «تلاش دولت بر برقراری نظم و آرامش متمرکز شده بود و هیچ دعوتی از عامه مردم به عمل نیامد، زیرا مصدق همیشه از دعوت مردم برای درخطر انداختن جانانشان به منظور حفظ او درمسند قدرت پرهیز می‌کرد».^۷

کینزر دولت آمریکا را به خاطر اجرای کودتای سرزنش کرده است و همان‌طور که در پیش ذکر شد، پیامد این کودتا را در بروز و ظهور تروریسم در خاورمیانه مؤثر می‌داند. وی در این باره می‌نویسد: «عملیات آژاکس به دیکتاتورهای و قلدراه‌های این منطقه - خاورمیانه - آموخت که قدرتمندترین حکومت‌های جهان - آمریکا و انگلیس - در برابر حکومت‌های دیکتاتوری تسامح فراوان نشان می‌دهند. البته مشروط بر اینکه این دیکتاتورها با دنیای غرب و شرکت‌های نفتی غربی رابطه دوستانه‌ای برقرار سازند»^۸ (ص ۲۹۳).

کینزر دو علت را در سقوط دولت مصدق و پیروزی کودتا مؤثر دانسته است:

۱- سرسختی وی در قبال شرکت نفت ایران و انگلیس مانع از آن شد که در زمان لازم به مصالحه بپردازد.^۹ ۲- مصدق در قضاوت خود نسبت به درک نگرش جهان به رهبران غرب ناتوان بود. مصدق اعتقاد داشت که مبارزاتش با شرکت نفت ایران و انگلیس ارتباطی با درگیری‌های شرق و غرب ندارد، در حالی که از شیوع کمونیسم رهبران کشورهای غربی به وحشت افتاده بودند» (ص ۲۹۸).

مؤلف در ادامه به ذکر دیدگاه‌های محققان صاحب‌نام آمریکایی به نام‌های: جیمز بیل، ریچارد کاتم، مارک‌گاز‌یوروسکی، جیمز اف‌گود، مری آن هایس، نیکی. آر. کدی و ویلیام راجرز لوئیس پرداخته است. ماحصل دیدگاه‌های مشترک آنان انزجار از دولت آمریکا به جهت کارگردانی کودتای ۲۸ مرداد و تأیید روش‌های دکتر مصدق در ایجاد

روند دموکراسی در ایران است. (صص ۳۰۸ - ۳۰۶).

بخش پایانی کتاب، خلاصه‌ای است از سفرنامه مؤلف به ایران به مناسبت چهل و نهمین سالروز کودتای ۲۸ مرداد. کینزر در این بخش علاوه بر ذکر داستان مسافرت خود به منزلگاه ابدی مصدق در احمدآباد، از ملاقات بانوه پُرسی مصدق، دکتر محمود مصدق (فرزند دکتر غلامحسین مصدق) و پسرش به نام علی در هتل لاله سخن گفته است.

پی‌نوشت‌ها:

۱- گاز‌یوروسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه جمشید زنگنه با مقدمه توضیحی سرهنگ غلامرضا نجاتی، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ دوم، ۱۳۷۱، ص ۱۷۱.

۲- فوران، جان، مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران)، ترجمه احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ دوم، ۱۳۷۸، ص ۴۳۶.

۳- نجاتی غلامرضا، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، ۱۳۶۵، ص ۳۴۸.

۴- برهان، عبدالله، بیراهه، تهران، دفتر خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۶۸، ص ۲۲۳.

۵- فوران، جان، همان، صص ۳۳۵ - ۳۳۴.

۶- آدمیت، فریدون، آشفته‌گی در فکر تاریخی، ضمیمه جهان اندیشه، خرداد ۱۳۶۰، صص ۱۲ - ۱۱.

۷- گفت‌وگو با حسین مکی، ماهنامه دنیای سخن، شهریور و مهر ۱۳۷۷، شماره ۸۱، ص ۲۷.

۸- عظیمی، فخرالدین، بحران دموکراسی در ایران، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری، تهران، نشر البرز، چاپ دوم، ۱۳۷۴، ص ۴۵۵.

۹- دکتر عظیمی در کتاب بحران دموکراسی در ایران می‌نویسد: یکی از صفات مصدق که حتی دشمنانش درباره آن حرفی نداشتند، فسادناپذیری او بود. او در سمت‌های نمایندگی مجلس شانزدهم و نخست‌وزیری از دریافت حقوق خودداری کرد و آن را به مؤسسات خیریه اهدا نمود. این شاید بزرگترین سرمایه او در چارچوب ساختار دزدسالارانه حکومت ایران بود و در جامعه‌ای بود که شمار کمی از سیاستمداران آن از اتهام فساد برکنار بودند. آرزو یا رؤیای اصلی او این بود که جامعه‌ای سیاسی ایجاد کند که در برابر فساد آسیب‌ناپذیر باشد و در نتیجه اعتبار و پذیرندگی دولت را بیفزاید و غایتاً به شهروندی و مشارکت سیاسی استحکام و مفهوم ببخشد. (ص ۴۵۷).

۱۰- بعضی از کارشناسان امکان هرگونه مصالحه بین مصدق و انگلیس را بر سر نفت ایران، با عطف به ویژگی بارز او مبنی بر سرسختی و پافشاری بر حفظ کامل استقلال کشور، منتفی می‌دانند. در این باره می‌توان به مقاله دکتر رضا رئیس طوسی تحت عنوان: پیشنهاد بانک جهانی به مصدق (خواست پنهان انگلیس) «روزنامه اعتماد»، پنجشنبه ۲۸ اسفند ۱۳۸۲، سال دوم، شماره ۵۱۰، صص ۸ - ۱۷ اشاره کرد.